

مقایسه بنیان‌های هستی‌شناختی حکومت سلیمان در قرآن مجید و عهدین

محمد کاوه*

استادیار معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۷)

چکیده

حکومت الهی یکی از نعمات خداوند است که موجب تنظیم بهتر روابط انسان، هدایت و در نهایت سعادت او می‌گردد. قرآن مجید و عهدین هر دو از حکومت سلیمان سخن گفته‌اند. با توجه به جایگاه بنیان‌های هستی‌شناختی حکومت به عنوان مبنای بنای حکومت، سؤال پژوهش حاضر این است: بنیان‌های هستی‌شناختی حکومت سلیمان در قرآن و عهدین چیست؟ اهمیت موضوع به تاثیرگذاری مستقیم بنیان‌های هستی‌شناختی حکومت در شکل و ساختار حکومت، رفتار حاکم با مردم و مردم با همدیگر دارد. برای پاسخ سؤال پژوهش، به روش توصیفی بنیانه‌ای هر دو کتاب بیان، مقایسه و تحلیل گردیده‌است. یافته‌های حاکیست تفاوت بنیان‌ها در دو کتاب، در بخش عالم‌غیب، برخی مربوط به ارانه جامع و عمیق مبانی مشترک در قرآن و برخی به طرح موضوعات منحصر بفرد قرآن مانند نبوت سلیمان، حکمت، علم نافع زیاد، وجود کارگزاران فرامادی و اعتقاد به معاد است و در بخش عالم‌شهود تسخیر خاص سلیمان، بینش گسترده فقر مخلوقات مادی و حرکت جهان مادی به سمت خداوند در جهان آخرت، همگی در دو کتاب متفاوت می‌باشد.

واژگان کلیدی: «بنیان‌ها»، «هستی‌شناختی»، «حکومت سلیمان»، «قرآن» و «عهدین».

* Email: Kave41@ gmail.com

۱. مقدمه

در حکومت دو بحث مرتبط با هم است، یکی مبانی و دیگری شکل و ساختار حکومت است. در شکل حکومت حضرت سلیمان از جمله انبیا است که خداوند در قرآن بعد از مقام قضاوت و نبوت (نمل/۷۹) به وی حکومت ویژه داده است (ص/۴۰-۳۵). در عهد قدیم سلیمان از جمله کسانی است که خداوند به آنها حکومت داده است (اول تواریخ، ۲۸: ۵-۶ و ص/۴۰-۳۰). بنیان های هستی شناختی حکومت از این بابت که تأثیر بسزایی در رفتار حاکم با مردم، ساختار حکومت و تجلی مبانی حکومت است، دارای اهمیت می باشد. تا جایی که حداقل به صورت ضرب المثل گشته است «مردم به دین پادشاهان خود هستند».

۲. پرسش پژوهش

پرسش پژوهش، مقایسه بنیان های هستی شناختی حکومت سلیمان در قرآن مجید و عهدین است. به لحاظ معرفت شناختی اولین موضوع واقعیت داشتن داستان سلیمان در دو منبع است. بر اساس نظر رایج و مشهور مفسران قرآن داستان حکومت سلیمان - برخلاف اندیشه برخی مانند محمد احمد خلف الله^۱ و سلطان علی شاه^۲ و ... - واقع نماست^۳. زیرا قرآن، آیات و قصص خود را «حق» اعلام داشته است (بقره/۲۵۲، آل عمران ۳ و ...، کهف/۱۳، مانده/۲۷)، و قدر مشترک مفهوم حق در قرآن، مطابقت با واقع است^۴. لذا واقعیت تاریخی با موضوع عبرت آموزی داستان

^۱. «القصة الدینیة لیست الا لونا من الوان القصص ادبی» الفن اقصی، احمد خلف الله، ۱۹۵۱: ۱۵۲.

^۲. اعلم ان اکثر قصص سلیمان کان من مرموزات الاونل و اخذها المتأخرون بطریق الاسمار و اخذوا منها ظاهرها الذی لایلیق بشآن الانبیاء. سلطان علی شاه ۱۴۰۸: ۱۲۳/۱.

^۳. طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۸۱/۲؛ ۳۰۰/۵؛ ۳۰۸/۱۳ و ۳۳۸.

^۴. در قرآن دقیقاً ۲۴۷ مورد کلمه حق به کار رفته است ... حق به معنای اعتقاد مطابق با واقع، خود واقعیت و به معنای سخن و کلام مطابق با واقع است (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ۶۸/۱).

قابل جمع است، هم چنین از نظر ادبی، ظواهر الفاظ کتاب مقدس حجت است و اعتماد بر واقعی بودن آن خلاف شرع و عقل نیست. هم چنین مؤید به روایات انمه هدی مانند پرسش علی بن یقطین در مورد حکومت سلیمان از امام کاظم (ع) و جواب اوست (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۱/۵۷۱).

بر دلایل فوق اضاف کنید رابطه بین حقانیت (قرآن) و تصدیق (تورات)^۵؛ که مستلزم حقانیت قرآن است. چون کتاب حق، حق را تصدیق می‌کند، کتاب حق باطل را یا کتاب باطل حق را تایید نمی‌کند. شاهد آن، وجود قدر متیقن بین مطالب قرآن و سخنان منسوب به سلیمان در عهدین است.^۷ بنابراین اعتنا به گزارش کتاب مقدس قابل قبول است.

۳. هدف پژوهش

این مقاله در صدد است با روش توصیف و تحلیل مقایسه بین مبناهای هستی‌شناختی حکومت سلیمان در قرآن و عهدین را شناسایی و تاثیر آنرا در بنای حکومت را تحلیل کند. از منظر قرآن مجید و کتاب مقدس، جهان هستی به دو بخش مرتبط قابل تقسیم است. «عالم غیب و شهادت» (انعام/۳، رعد/۹ و زمر/۴۶ و کتاب پیدایش). البته تقسیم‌بندی مذکور به لحاظ معرفت انسان است. زیرا به لحاظ ذات، شیء یا واجب الوجود یا ممکن الوجود است. بنابراین از نظر علمی تقسیم بالا اعتباری و نسبی است و معنای غیب و شهود نیز نسبی است. ارزیابی شناخت

^۵. علی بن یقطین از تقاضای حضرت سلیمان از خداوند (ص/۳۵)، ابتدا تصور بخل وی را میکند، لذا برای تصحیح عقیده خود از امام (ع) راجع به بخیل بودن یا نبودن انبیاء سؤال میکند. امام (ع) بخل انبیاء را نفی می‌کند. سپس علی بن یقطین معنای آیه مذکور می‌پرسد. آنچه از ظاهر روایت همانند آیات قرآن استفاده می‌شود، دینی بودن حکومت سلیمان است.

^۶. نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ (آل عمران/۳).

^۷. مانند امثال سلیمان و جامعه.

آن توسط تجربه و تکرار امکان پذیر است. و از نظر منطقی در طول اعتبار عقل و با یک قیاس خفی همراه است. به اصطلاح از قضایای یقینی محسوب می‌گردد. البته جای بحث مفصل در کتاب‌های منطقی است. با توجه به ارتباط جهان شهود و غیب، بنیان‌های هستی‌شناختی حکومت سلیمان در قرآن و عهدین به دو بخش قابل تقسیم است.

الف. بنیان‌های غیبی هستی‌شناختی ملک سلیمان در قرآن و عهدین.

ب. بنیان‌های شهودی هستی‌شناختی ملک سلیمان در قرآن و عهدین.

۴. پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش به لحاظ داستان‌های قرآن، زبان دین و حکومت دینی، در آن تحقیقاتی صورت گرفته است و به برخی از بنیان‌ها اشاره شده است. اما جستجو نشان می‌دهد تاکنون بنیان‌های هستی‌شناختی حکومت سلیمان، به خصوص در دو کتاب مقایسه نشده است. اینجا به برخی مقالات اشاره می‌گردد. گزارشی از پایان نامه تحلیل اجتهادی داستان حضرت سلیمان و ملکه سبأ، اثر حمید نادری قهفرخی، مجله علوم و معارف قرآن و حدیث؛ تحلیل انتقادی روایات اسرائیلی پیرامون زندگی حضرت سلیمان بر مبنای قرآن کریم، اثر محمد جانی پور، مجله مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی؛ بازشناسی ارزش‌های مهم مدیریتی در زندگی حضرت سلیمان، اثر محمد رضا شرفی، مهدی خسروی و شیوا کیانی، مجله آموزش‌های قرآن؛ داستان سلیمان و بلقیس و استناد به آن در جهاد ابتدایی، اثر سید محمدعلی ایازی، مجله پژوهش‌های قرآنی؛ چگونگی شکل حکومت دینی با تحلیل حکومت انبیا در قرآن، اثر کاظم قاضی‌زاده، ناصر محمدی، مصطفی دلشاد تهرانی و سید سراج‌الدینی صالحی، در مجله پژوهش‌نامه معارف قرآنی؛ سلیمان اسطوره یا تاریخ، اثر عباس رسول‌زاده، مجله معرفت ادیان و حکمت، حکومت و خطای سلیمان در عهد عتیق با نگاهی به دیدگاه قرآن کریم، حسین حیدری و خدیجه کار دوست، مجله معرفت ادیان. در مقالات مذکور

پژوهش‌گران ضمن بیان نکات ارزنده، دارای برخی اشکالات است که نویسنده در ارائه به آنها توجه خواهد کرد.

۵. روش پژوهش

در این پژوهش محور تقسیم غیب و شهود است و در هر بنیان سخنان قرآن و عهدین توصیف، مقایسه و تاثیر بنیان در همانجا بیان می‌گردد. ویژگی این روش انتقال سریع خواننده به مقایسه و تاثیرگذاری و خلاقیت وی در تحلیل بیشتر محتواست.

۶. مفهوم‌شناسی

حکومت در لغت فارسی مترادف معنای تسلط، سلطنت، حکمرانی و فرمانروایی است. در اصطلاح ارگان یا سازمان رسمی جهت‌داری است که در انتظام سازمان‌های جامعه و رفتار انسان‌ها با همدیگر کوشش می‌کند. بدیهی هر حکومتی حتی صوری برای حیات و بقای سیاسی خود معمولاً از سه بخش به ترتیب منطقی مقننه، مجریه و قضائیه تشکیل شده است.

کلمه مُلک در قرآن به معنی حکومت و اداره امور است (قاموس قرآن، ج ۶: ۲۷۳ و مفردات الفاظ القرآن، ۷۷۵). حکومت اصالتاً وبالذات از آن خداست «ولله ملک السموات و الارض» (آل عمران/۱۸۹)، «له الملك و له الحمد» (تغابن/۱)، خداوند نسبت به نیاز اجتماعی انسان، حکومت خود را به صورت محدود به برخی اعطا می‌کند «خدا ملک خود را به هر کس بخواهد می‌بخشد» (بقره/۲۴۷).

در عهدین گرچه از حکومت به سلطنت و پادشاهی تعبیر شده و از آن خداست «خداوند، تو تا ابد سلطنت خواهی کرد» (خروج، ۱۵: ۱۹). اما انحصار آن از خداوند بیان نشده است.

هستی‌شناسی؛ شاخه‌ای از علم فلسفه است که به مطالعه یک وجود معین می‌پردازد و موجب یک تصویری کلی از آن می‌گردد. منظور از هستی‌شناختی در اینجا، شناخت ویژگی‌های وجودی

یا عدمی پیرامون حکومت سلیمان است که از مطالعه قرآن و عهدین بدست می‌آید. منظور از عهدین کتاب مرجع در دین یهودیت و مسیحیت است که یک کتاب محسوب می‌گردد.

۱-۶. بنیان‌های غیبی هستی‌شناختی ملک سلیمان در قرآن و عهدین

استناد به متن قرآن و عهدین در تبیین دقیق امری ضروری است، اما استناد به منابع غیر آن دو، در ارائه تصویری روشن و جامع از آن عملی شایسته است.

قرآن به صراحت برای موجودات مجرد، لفظ «غیب» را بکار برده است «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ، الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» (بقره/۳-۲)^۸ در عهدین برای این نحوه از وجود لفظ خاصی استفاده نشده است. اما مصادیق آن با الفاظ، خدا، روح حیات، فرشتگان و شیطان ذکر گردیده است. به مواردی اشاره می‌گردد.

الف. آنگاه خداوند از خاک زمین، آدم را سرشت. سپس در بینی آدم روح حیات دمید، به او جان بخشید و آدم موجود زنده‌ای شد (پیدایش، ۲: ۷).

ب. میکایا نبی گفت: به این پیغام خداوند نیز گوش بده! خداوند را دیدم که بر تخت خود نشسته بود و فرشتگان در حضور او ایستاده بودند (اول پادشاهان، ۲۲: ۱۹).

ج. در سالی که عزیزی پادشاه در گذشت، خداوند را دیدم که بر تختی بلند و با شکوه نشسته بود و خانه خدا از جلال او پر شده بود اطراف تخت را فرشتگان احاطه کرده بودند (اشعیا، ۶: ۲-۱).

د. یک روز که فرشتگان در حضور خداوند حاضر شده بودند، شیطان نیز همراه ایشان بود (ایوب، ۱: ۶).

^۸ در قرآن کریم بین عبارت «هذا القرآن» و «ذلك الكتاب» فرق است، یکی شهود و دیگری غیب است. ر.ک، جوادی‌آملی، ۳۶/۱۳۷۸.

هـ. موجودات عاقل در جهان وجود دارند. یکی طبقه «علیونیم» یا ساکنان جهان بالا که همان فرشتگان هستند و دیگری طبقه «تحتونیم» یا ساکنان عالم پایین که نوع بشرند (ابراهام کهن، ۱۳۸۲: ۶۸).

بنابراین هر دو منبع تحقیق وجود موجودات غیبی را تایید می‌کنند. اینک به لحاظ ترتیب تحقق و بروز و ظهور بنیان‌ها به پژوهش آنها پرداخته می‌شود.

۶-۱-۱. توحید افعالی

در نظام افرینش، توحید افعالی در رأس امور عالم قرار دارد. بر اساس توحید افعالی هر نعمتی اعم از مادی و معنوی ضرورتاً از خداست و نمی‌توان آنرا مستقلاً به انسان نسبت داد «و ما بکم من نعمه فمن الله» (نحل/۵۳). بلکه اگر هم به انسان استناد داده شود از باب شؤن فاعلیت الهی است (انفال/۱۷)^۹. نظام علیّ معلولی و سنخیت بین علت و معلول، همگی مظاهر توحید افعالی است. به فرمایش علی (ع) خداوند به سبب خلقتی که کرد بخلق آشکار شد «فیض الاسلام، ۱۳۵۱: خ/۱۰۷».

توحید افعالی دارای اقسامی است توحید در خالقیت، تدبیر، حاکمیت و طاعت است. از میان آنها توحید مرتبط با موضوع مقاله، توحید در حاکمیت، توحید در تشریح و طاعت دارای شؤن اجتماعی و اهمیت بیشتری است.

توحید در حاکمیت؛ در قرآن هم یعقوب و هم یوسف انحصار حاکمیت مطلق، اصیل و بالاصاله خداوند را اعلام داشتند «بر انسان‌ها قرار داده‌است» «جز این نیست که عهده‌دار امور شما مؤمنان خدا و پیامبر او و کسانی‌اند که ایمان آورده‌اند؛ همانان که نماز بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند» (مائده/۵۵).

^۹. «ای پیامبر، هنگامی که تیر می‌انداختی، در حقیقت تو نینداختی بلکه خدا انداخت.»

توحید در تشریح؛ قرآن داستان مجادله نمرود با ابراهیم را در «تدبیر» ذکر کرده است.^{۱۰} حضرت ابراهیم به نمرود گفت ربّ من کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند، نمرود گفت مرگ و زندگی دست من است.^{۱۱} ابراهیم در ادامه استدلال به حرکت ظاهری خورشید از شرق به غرب و در خواست عکس این حرکت از نمرود، او را متوجه مغالطه‌اش کرد و به او تفهیم کرد که تدبیر و اداره امور اجتماعی متعلق به حاکم نیست، بلکه متعلق به وجودی است که دارای خالقیت و ربوبیت تکوینی است (بقره/۲۵۸). و حاکم جامعه در حقیقت نقش برنامه‌ریزی دارد.

هم‌چنین در قضیه فرعون و موسی، فرعون در مصر خود را صاحب تدبیر امور اجتماعی می‌دانست « فرعون گفت من جز آنچه را می‌بینم و به درستی آن اطمینان دارم به شما می‌نمایم و شما را جز به راه درست راهنمایی نمی‌کنم» (غافر/۲۹). برخی مفسران نوشته‌اند: انسان فطرتاً خواهان سعادت و رشد و هدایت است و طاغوت‌ها از همین انگیزه فطری سوء استفاده و مدعی هدایت مردمند (ر.ک؛ قرآنی، ۱۳۸۸: ۲۴۵/۸).

مباحث فوق در تورات در سطح ساده و مختصر در موضوعات توحید خالقی خداوند در سفر پیدایش باب ۱، هم‌چنین جزء اولین فرمان از ده فرمان است « ترا خدایان دیگر غیر از من نباشد» (سفر خروج، ۲۰: ۲-۳). تلمود نیز واحدیت خداوند را چنین بیان داشته است: خداوند در آغاز آدم را تنها و به صورت واحد آفرید، تا آنکه ملحدان و کافران نگویند که در آسمان چندین خدا وجود دارد. زیرا اگر در ابتدای خلقت آدمیان بیشتری آفریده می‌شد، ممکن بود این عقیده اظهار شود، که بعضی از آنها را خداوند آفریده و برخی را خدایان دیگر» (کهن، ۱۳۸۲: ۳۰). هم‌چنین حاکمیت بالعرض برای انسان اما بر حیوانات جهان مادی مطرح شده است (ر.ک؛ پیدایش، ۱: ۲۷) و توحید در طاعت جز فرامین ده گانه اما است «هیچ‌گونه بتی به شکل حیوانات یا پرنده یا ماهی

^{۱۰} مطابق حکایت قرآن توحید در خالقیت بین موحدان و مشرکان، موضوع متفق علیه بود (لقمان/۲۵).

^{۱۱} یعنی گفت آن کسی که تو می‌گویی احیا و اماته به دستش هست، من هستم. نمرود نگفت «و» من احیا و اماته دارم.

برای خود درست نکن، در برابر آنها زانو زن و آنها را پرشش نکن، زیرا من که خداوند، خدای تو می‌باشم؛ خدای غیوری هستم و کسانی را که از من نفرت دارند مجازات می‌کنم» (خروج، ۲۰: ۴-۵ و تثنیه، ۵: ۹-۸).

تفاوت بین دو کتاب در اینجا به ارائه عمیق در محور جهان‌بینی است که علاوه بر حوزه اعتقادی به موضوعات رفتاری و عملی سرایت می‌کند. موضوعاتی از قبیل: توحید استعانت «تنها از تو یاری می‌طلبیم» (حمد/۵)، طلب نصرت «پیروزی جز از جانب خدای شکست‌ناپذیر نیست» (آل عمران/۱۲۶)، توکل «افراد با ایمان، باید تنها بر خدا توکل کنند» (آل عمران/۱۲۲)، صبر در برابر مشکلات «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از صبر و نماز یاری جوید، زیرا خدا با صبر پیشگان است» (بقره/۱۵۳)، منقاد و تسلیم فرمان الهی مانند در خواست حضرت سلیمان از ملکه قوم سبأ (نمل/۳۱) و مدل حکومت الهی (بقره/۲۵۱ و ص/۳۵)، برای نسل‌های آینده اجتماع تاثیر جدی دارند.

۶-۱-۲. وحی و نبوت

مصدق دیگری از غیب، وحی نبوت است. قرآن مجید با برهان عقلی ضرورت ارسال نبوت را بیان داشته است «رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» (نساء/۱۶۵). به تعبیر قرآن انبیاء انسان‌های معصومی هستند که از هدایت یافتگان بشمار می‌روند. آنها ضمن دریافت معارف الهی به ارائه معرفت صحیح از کثرت جهان مشهود و تبیین برنامه سلوک عملی می‌پردازند. انسان برای تطابق و تنظیم کارهای خود با واقعیت هستی، نیازمند قانون و الگوی الهی است.

سلیمان از جمله انبیایی که خداوند علاوه بر نبوت (نساء/۱۶۳ و انعام/۸۴)، حکمت و علم نافع وسیع (انبیاء/ ۷۹ و نمل/۱۵) و حکومت تشریحی اعطا کرده است. ملک سلیمان، حکومتی

خاص به وی - به لحاظ امکانات مادی در بخش های اقتصادی مثل چشمه مس روان^{۱۲} و امکانات اجرایی مانند تسخیر باد، پرندگان و وحوش اجنه^{۱۳} و امکانات معنوی مانند علم وسیع^{۱۴} او به زبان پرندگان، حشرات، زره بافی، قضاوت و اداره مملکت - و نشانه نبوت وی بود «قال رب اغفر لی و هب لی ملکاً لا ینبغی لاحد من بعدی انک انت الوهاب فسخرنا له...» (ص/۳۶-۳۵).

امام موسی کاظم (ع) در مورد این آیه فرمودند: «سلیمان از خداوند حکومتی خواست که هیچ کس نتواند بعد او بگوید از طریق ظلم و اجبار مردم به دست آمده است» (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۷۱/۱).

برخی مفسران در مورد آیه بالا نکته ظریفی نوشته اند: سلیمان ملکی مختص به خود را از خدا درخواست کرد نه اختصاص آن را به خود خواست» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۱۲/۱۷). یا «بعید است که منظور او از این درخواست، مُلکی باشد که برای هیچ یک از انبیا و اولیا میسر نباشد. شاید مراد وی این باشد که آن ملک به دست وی ظهور کند نه به دست دیگران، اگرچه به دیگران هم داده می شود (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۲۸۵/۷).

^{۱۲} «وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ» (سبأ/۱۲). تعبیر سرچشمه مس جاری قویتر از آهن نرم (وَأَلَّا لَهُ الْحَدِيدَ) برای داوود است (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۲۸۷/۷).

^{۱۳} «وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غَدُوًّا شَهْرًا وَرَوَّاحَهَا شَهْرًا وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ...» (همان)

^{۱۴} «وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ» (نمل/۱۵). اینکه علم را نکره آورد اشاره به عظمت و اهمیت امر دارد و مراد از برتری، برتری بر سایر مردم از جهت همه مواهبی که داده (المیزان، ۱۴۱۷: ۴۹۶/۱۶).

برخی از اندیشمندان برای جدایی دین از سیاست، تأخر حکومت بعد از رسالت و تعیین حکومت توسط مردم را دلیل این نظریه اعلام داشته‌اند.^{۱۵} یک دلیل بر رد آن، آیه ۳۶ از سوره صاد است که با فافتح شروع و در آن اجابت در خواست حکومت حضرت سلیمان بیان شده است.

قرآن مجید نبوت و حکومت را نعمات الهی معرفی کرده است ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَأَنَاكُمْ مَا لَمْ يَأْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ﴾ (مانده/۲۰). حکومت دینی همان اهداف نبوت در هدایت انسان به سعادت و تقرب خدا، جلوگیری از مظالم، کرامت و تکامل انسان را دنبال می‌کند. شاهد بر این ادعا، نامه سلیمان به بلقیس خورشید پرست است. ایشان هم نامه را با نام خدا شروع کرد ﴿وَإِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ (نمل/۳۰)، و هم محتوای نامه درخواست پیروی از نبوت بود ﴿أَلَا تَعْلَمُوا عَلَيَّ وَأُتُونِي مُسْلِمِينَ﴾ (نمل/۳۱). لذا فرجام ملکه با همان علم الهی وسیع خدای سلیمان با تدبیر اجرای معجزه احضار تخت ملکه از یمن به فلسطین و نشان دادن قصر بلورین به وی، زمینه ایمان آگاهانه ملکه را ایجاد کرد و ایمان به توحید محقق گشت ﴿أَسَلْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (نمل/۴۴).

بنابراین با توجه به باطل و حرام بودن سحر، حکومت سلیمان مرهون سحر یا زور و غلبه، مانند نمرود حکومت تکوینی نبوده (بقره/۱۰۲)، بلکه ساختار حکومت اعم کارگزاران و اجرای قوانین، دینی بود.

در کتاب‌های عهدین، داستان سلیمان به اختصار در دو کتاب اول پادشاهان و دوم تواریخ بیان شده است. در اینجا به اهم موارد که موجب تفاوت و شباهت با قرآن است، اشاره می‌گردد.

الف. سلیمان از انبیاء الهی و معصوم نیست، بلکه پادشاه جوان بنی اسرائیل است - «یوناتان گفت: آقای ما داوود پادشاه، سلیمان را جانشین خود کرده است» (اول پادشاهان، ۱: ۴۳) - اما

^{۱۵} . باید بدانیم مقامات سیاسی به همان دلیل که از سوی مردم وارد بر مقام پیشین الهی آنها شده و به مناسبت ضرورت‌های زمان و مکان بدون آنکه خود در صدد باشند این مقام به آنها عرضه گردیده، به همان جهت نمی‌توانند جزئی از وحی الهی محسوب باشند (حائری یزدی، ۱۹۹۵: ۱۴۳).

خداوند با او در خواب سخن می‌گوید - «چون تو حکمت خواستی تا با عدالت حکومت کنی و عمر طولانی یا ثروت فراوان برای خود و یا مرگ دشمنانت را از من نخواستی. پس هر چه طلب کردی به تو می‌دهم. من به تو فهم و حکمتی می‌بخشم که تا کنون کسی نداده‌ام و نخواهم داد (اول پادشاهان، ۳: ۱۱-۱۵).

ب. خداوند به سلیمان حکمت زیاد می‌بخشد (ر.ک؛ همان، ۲۹) به گونه‌ای که ملکه سبا تصمیم گرفت به دیدار او برود و با طرح مسائل دشوار حکمت سلیمان را آزمایش کند. و در نهایت ملکه سبا حکمت او را تایید و خدای او را ستایش کرد (ر.ک؛ اول پادشاهان، ۱۰: ۱-۹).

گرچه قرآن و عهدین هر دو از حکمت سلیمان نام برده‌اند. اما به نظر می‌رسد با توجه به نسبت منطقی بین حکمت و علم، هم‌چنین ثمره حکمت نظری در حکمت عملی، بخصوص با گزارش عهدین از فرجام سلیمان (بت پرستی)، منظور از حکمت سلیمان در عهدین همان علم باشد. که گاه ضاراً^{۱۶} و گاه نافع است. مانند تنظیم روابط صحیح سلطان با مردم «مردم در سلطنت وی در کمال آرامش بودند و هر خانواده زیر درختان مو و انجیر خود آسوده می‌نشستند» (اول پادشاهان، ۴: ۲۵) و بیان سخنان علمی «سلیمان ۳۰۰۰ مثل و ۵۰۰۰ سرود نوشت» (همان: ۳۲).

ج. حکومت سلیمان نیز انتخاب الهی است «داوود: حال از میان پسران زیادی که خداوند به من بخشیده است سلیمان را انتخاب کرده است تا بجای من بر تخت بنشیند و بر قوم خداوند سلطنت کند» (اول تواریخ، ۲۸: ۵-۶).

^{۱۶}. «اللهم انی اعوذبک من علم لاینفع» ر.ک مفاتیح الجنان، تعقیبات نماز عصر.

۶-۱-۳. جن و شیطان

جن در عربی به معنای پوشیده و استتار از دیدن است. در قرآن مجید، از جن^{۱۷} و مرادف آن یعنی شیطان^{۱۸} و عفریت^{۱۹} نام برده شده است. جن موجودی با شعور، دارای امکان دسترسی به غیب، قدرت تحریکی زیاد و اراده است که در شرایط عادی قابل دیدن نیست. هدف از خلقت جن عبادت و بندگی خدا است ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات/۵۶). آنها به دو گروه مؤمن و عاصی تقسیم می‌شوند.

براساس نص آیات قرآن شیطان نوعی از گروه جن است که در جوهر وجودی با جن مشترک است (کهف/۴۹ و انعام/۱۱۲). سید رضی «نام شیطان حارث بود و ابلیس نامیده شد به جهت آنکه از رحمت خدا دور گشت ... حق آنستکه شیطان از جن بود و اجماع علما امامیه بر آنست، چنانکه از شیخ مفید نقل شده و روایات متواتره از ائمه در این باب وارد گشته است (ر.ک؛ فیض الاسلام، ۱۳۵۱: خ/۲۳۴).

منتهی شیطان فقط شرارت می‌کند در حالی که گروه اجنه به دو دسته خوب و بد تقسیم می‌شوند (جن/۱۱).

برخی شیاطین و اجنه کارگزاران لشکر سلیمان بودند (نمل/۱۷). و این موضوع از حکایت قدرت بی نظیر سپاه سلیمان و امداد الهی دارد. آنها به اقتدار الهی مکلف به پیروی از سلیمان بودند. لذا شیاطین برای سلیمان عمل غواصی و استخراج منابع دریایی (انبیاء/۸۲ و ص/۳۷) و اجنه کار ساختن مسجد یا به عبارتی امور معنوی و عبادی را انجام می‌دادند (سبأ/۱۳). و به نظر

۱۷. قرآن مجید از جن در شانزده سوره سخن گفته است. که عبارتند از: انعام، اعراف، هود، حجر، اسراء، کهف، نمل، سجده، سبأ، صافات، فصلت، احقاف، الرحمن، ذاریات، جن و ناس است.

۱۸. ص/۳۷.

۱۹. نمل/۳۹.

می‌رسد تفاوت عبارت آیات فوق الذکر علی رغم جوهر مشترک بین شیاطین و جن، اشاره به کارکرد عملی آن دو داشته باشد.

در عهدین از شیطان، اجنه و جادوگران نام برده شده است. کار شیطان اغوا (اول تواریخ، ۲۱:۱)، و اطلاق ابلیس بر شیطان نیز آمده است «آن مار قدیمی که اسمش ابلیس یا شیطان است و همان کس است که تمام مردم دنیا را فریب می‌دهد (مکاشفه، ۱۲: ۹ و مکاشفه، ۲۰: ۲). اما از حضور برخی شیاطین و اجنه در لشکر سلیمان به عنوان کارگزار حکومت وی و امداد الهی سخنی گفته نشده است. بلکه از مردم عادی ذکر شده است. تعداد لشکریان را ۱۲۰۰۰ سواره ذکر کرده‌اند (اول پادشاهان، ۱۰: ۲۶) سلیمان برای ساختن خانه خدا و کارهای سازندگی خود از مردم بنی اسرائیل کمک گرفت (ر.ک؛ اول پادشاهان، ۵: ۱۸-۱۳).

۶-۱-۴. جهان آخرت

جهان آخرت در مقابل جهان دنیا، مصداقی از عالم غیب است. منظور از آن معاد است. این موضوع در منظومه اصول عقاید قرآنی به لحاظ کارکرد بالای آن در کنترل کمی و کیفی قوای علمی و عملی - غضبیّه و شهویّه - از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. وجود جهان آخرت در قرآن به وسیله طرق زیر بیان شده است.

الف. دلیل عقلی، مانند برهان حرکت طبیعی دانان، پدیده‌های آسمانی - ابر و باران - و زمینی - گیاهان و درختان - در حرکتند. هر حرکتی بنا به تعریف آن دارای مقصدی است که متحرک در آن آرام و ثبات می‌یابد. قرآن نیز پایان حرکت را «دارالقرار» معرفی کرده «زندگی دنیا بهره‌ای برای سرای آخرت است که سرای پایداری است» (غافر/۳۹). «سرّ این که آخرت، دارالقرار است، آن است که انسان در دنیا چون به مقصد نرسیده و در بین راه است، آرامش ندارد، ولی وقتی به بهشت رسید می‌آزمد؛ چون حرکت، به مقصد و متحرک به هدف رسیده است. البتّه ثابت می‌شود نه ساکن؛

یعنی «دارالحركة» به «دارالسكون» منتهی نمی‌شود، زیرا سکون، هدف حرکت نیست بلکه به «دارالثبات» می‌رسد و ثبات، هدف حرکت است» (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۲۶۵).

ب. نقلی؛ از طریق ایمان به پیام الهی «وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» (بقره/۴). در مورد یقین نوشته‌اند: «قرآن مظنه در تحقیق مسایل جهان‌بینی را سودمند نمی‌شمرد، ... و درباره معادشناسی نیز به مظنه بسنده نکرده، به مرز یقین رسانده است» (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ب: ۱۲۷).

زیرا معرفت یقینی، ویژگی رفتاری و احوالی خاصی مانند مراقبت از نفس را به دنبال دارد «یقین است که انسان را خاشع قطعی و خاکسار یقینی می‌سازد و گرنه صرف گمان به خطری در آینده، تنها خشوع ظنی و وضعیفی را در پی دارد» (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۹۵/۴).

ج. عملی؛ انسان پرهیزکار در اثر ریاضت و ارتباط با ملکوت به یقین شهودی قیامت می‌رسد «اگر به علم یقینی دست یابید بی‌گمان دوزخ را در این جهان به چشم دل خواهید دید (تکواثر/۶-۵).

از عوامل انکار جهان‌آخرت، یکی شبهه علمی - اعاده معدوم یا اعاده ذرات پراکنده «قال من يحيى العظام وهى رميم» (یس/۷۸) - و دیگری شهوت عملی است که انبیاء الهی به واسطه علم به حقایق، نتایج اعمال و عشق به معبود از عوامل انکار جهان‌آخرت مصون و از نتایج آن در اعمالشان بهره‌مند بودند.

قرآن مجید سلیمان را با دو صفت عالی حاکی از یقین به خدا و جهان‌آینده یاد می‌کند. ﴿نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ (ص/۳۰). یکی «عبد بودن»، «من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند» (ذاریات/۵۶) و دیگری «اواب» است، اواب صیغه مباله است. یعنی بنده‌ای که مکرر یا شغل او رجوع به مولای خود است «سلیمان چون اواب بود به مقام نبوت رسید» (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۲۶۸). قرآن هم چنین فرجام سلیمان را نیکو اعلام داشته‌است ﴿وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ﴾ (ص/۴۰).

اما در عهد عتیق به سلیمان «کفر» و اصرار بر «بت پرستی» نسبت داده شده است، این موضوع التزام عملی به توحید و حکمت نظری وی را مخدوش می‌کند «زن‌ها به تدریج سلیمان را از خدا دور کردند بطوری که او وقتی به سن پیری رسید بجای این که مانند پدرش داوود با تمام دل و جان خود، از خداوند، خدایش پیروی کند به پرستش بتها روی آورد» (اول پادشاهان، ۱۱: ۴). یا «خداوند دو بار سلیمان طاهر شده و او را از پرستش بتها منع کرده بود ولی او از امر خداوند سر پیچی کرد و از او برگشت» (همان: ۱۰-۹).

علاوه بر این موضوع «جهان‌آینده» بخصوص در فرامین ده گانه موسی (ع) نیامده است، هم چنین به صورت واضح در اسفار پنج گانه موسی بیان نشده است. حتی در کتاب ایوب از کتاب‌های عهد قدیم موضوع مورد نفی یا حداقل تردید قرار گرفته است «آیا نمی‌بینی که دیگر چیزی از عمرم باقی نمانده است؟ ... بزودی می‌روم و دیگر باز نمی‌گردم. به سرزمینی می‌روم که سرد و تاریک است. به سر زمین ظلمت و پریشانی، به جایی که خود نور هم تاریک است» (ایوب، ۱۰: ۲۲-۲۰)، هم چنین «وقتی انسان بمیرد، آیا دوباره زنده می‌شود؟» (همان، ۱۴: ۱۴).

همچنین در کتاب جامعه سلیمان به صورت سر بسته به عالم مردگان اشاره شده است ولی بیان نگاشته که جهان دیگری و غیر مادی است «هر کاری کاری که می‌کنی خوب انجام بده چون در عالم مردگان بعد از مرگ به آنجا خواهد رفت نه کارکردن هست، نه نقشه کشیدن، نه دانستن و نه فهمیدن» (جامعه، ۹: ۱۰).

از این رو مجادلات و مباحثات زیادی بین سه گروه از یهودیان به نام صادوقیان^{۲۰} و شومرونی‌ها یا سامره‌ای‌ها و در مقابل فریسیان معتقد به جهان‌آینده شده است. فریسیان برای ادعای خود به مواردی از عهد عتیق اشاره کردندند که مورد نقد دو گروه فوق قرار گرفته است. تلمود در بخش رستاخیز مجادلات بین آنها را بیان داشته است (ر.ک؛ کهن، ۱۳۸۲: ۳۶۲ و ۳۷۰).

۲۰. از تعالیم صادوقیان این که با مردن جسم، روح نیز معدوم می‌شود، و مرگ پایان موجودیت انسان است (کهن، ۱۳۸۲: ۳۶۲).

۶-۲. بنیان‌های شهودی هستی‌شناختی ملک سلیمان در قرآن و عهدین

تقسیم دیگر برای موجود، موجود مجرد و مادی است. این تقسیم نفسی و عینی است. در اینجا به مبانی شهودی هستی‌شناختی ملک سلیمان در قرآن و عهدین اشاره می‌گردد.

۶-۲-۱. فقیر بودن هستی مادی

در فلسفه صدرایی علت نیاز ماهیات به علت، امکان فقری و هم چنین علت نیاز موجودات به علت، ضعف و فقر وجودی است. ریشه این کلام حکیمانه در قرآن مجید آمده است ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ (فاطر/۱۵).

اگر چه در آیه لفظ انسان‌ها آمده است ولی با توجه به ملاک فقر و غنا، یعنی مخلوق و خالق بودن، موضوع فقر منحصر در انسان نیست و بطریق اولی هستی مادی دارای این خصوصیت است. برای درک بهتر معنای فقر، برخی مفسران معنای آیه شریفه را چنین نوشته‌اند: معنای این که انسان فقیر است این نیست که او ذاتی دارد که فقر برای آن ثابت شده است بلکه او عین فقر و ربط الی الله است، چنانکه معنای خدا غنی است، این نیست که او ذاتی دارد که غنا برای او ثابت است، بلکه او عین غناست (ر.ک؛ جوادی‌آملی، ۱۳۸۵ الف: ۲۲۳).

انبیاء و اولیاء الهی با توجه به علم نافع خود^{۲۱}، در ساختار حکومت طبق آن عمل می‌کنند. علی(ع) فقر ذاتی این چنین بیان می‌داشت ﴿مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْغَنِيُّ وَ أَنَا الْفَقِيرُ، وَ هَلْ يَرْحَمُ الْفَقِيرَ إِلَّا الْغَنِيُّ﴾ (مناجات مسجد کوفه/۴) یا در حدیثی قدسی آمده است که خداوند به موسی فرمود: من همان چاره لازم توام. پس بکوش در لازم خود « انا بَدَكَ اللّٰهُمَّ فَالْزَمِ بَدَكَ » (سبزواری، بی تا: ۱/۱۶۳).

^{۲۱}. علم نافع، علمی است که ثمره آن در عمل برای شخص عالم و جامعه قابل انتفاع و سودمند باشد.

بر این اساس فقر وجودی حاکمان الهی به صورت طبیعی آنها را به سمت کمال مطلق می‌کشاند تا بدان واصل شوند. و این امر از طریق ادای تکالیف الهی برای آنها ممکن و تدبیر شده است. تا جایی که در گزارش قرآن از سبک زندگی سلیمان، خداوند او را به «نعم العبد» و عاقبت نیکو خبر داده است (ص/۴۰).

نگارنده در کتاب‌های عهدین، هم مشابه محتوای معرفت جامع آیه سوره فاطر-فقرذاتی عالم- و هم عملکرد و سبک زندگی سلیمان را نیافتیم، بخصوص در برخی کتاب‌های منتسب به سلیمان مانند «جامعه» که حاکی از اندیشه حکیمانه اوست، آخرین پیام وی ترس از خداوند و نگاه داشتن احکام اوست (جامعه، ۱۳:۱۲) یا در کتاب «امثال» که پند و اندرز خردمندانه زندگی است (امثال، ۱۲:۱۵).

بطور کلی سخنان او بیشتر مربوط به تشخیص نیک و بد (ر.ک؛ اول پادشاهان، ۳: ۹-۸) و فهم عدالت، انصاف و صداقت است (ر.ک؛ امثال، ۲: ۹). اما در مورد سبک زندگی و تنظیم زندگی شخصی سلیمان بر اساس فرمان الهی، متأسفانه گزارش عهد قدیم از سر پیچی اوست (ر.ک؛ اول پادشاهان، ۱۱: ۹-۱۰).

قرآن مجید در مورد گسترده قلمرو حکومت سلیمان، سخن نگفته است. اما با توجه به روایات^{۲۲}، إخبار هُدُود از سرزمین ملکه سبأ و عدم اطلاع سلیمان از آن - یک اصل ارزشمند حاکمیتی در نظارت و کنترل - به نظر می‌رسد قلمرو سلطنت او محدود بوده است.

استاد مطهری: قلمرو سلطنت سلیمان از نظر کمیت وسیع نبود برخلاف معروف تنها همین حدود فلسطین بود (ر.ک؛ مجموعه آثار، ۱۳۸۰: ۴/۴۳۸).

در عهدین قلمرو سلطنت سلیمان اعلام و محدود بیان شده است «سرزمینهای بین رود فرات و فلسطین که تا سرحد مصر می‌رسید» (اول پادشاهان، ۴: ۲۱).

^{۲۲} امام موسی کاظم در مورد قلمرو حکومت سلیمان فرمودند: وَأَمَّا دَاوُدُ فَمَلَكَ مَا بَيْنَ الشَّامَاتِ إِلَى بِلَادِ إِصْطَخْرَ وَكَذَلِكَ كَانَ مُلْكُ سُلَيْمَانَ (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱/۲۴۸).

۶-۲-۲. مخلوق بودن هستی مادی

در قرآن مجید به صورت اجمالی بیان شده است که خداوند طبیعت مادی را در شش دوره آفرید و سپس به تدبیر امور آن مانند پوشاندن روز به شب و.. پرداخته است ﴿الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ﴾ (فرقان/۵۹)، یا ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ﴾ (اعراف/۵۴).

برخی مفسران در ذیل آیه اعراف نوشته‌اند: اغلب آیاتی که عرش خدا را ذکر می‌کنند مانند همین آیه شریفه چیزی را هم که دلالت بر تدبیر خدای تعالی کند، ذکر می‌نماید (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸۸/۸ و ۳۶۶/۱۶).

در عهدین داستان آفرینش به تفصیل و پیوسته در شش روز، و روز استراحت بیان گشته است. بدین صورت که در روز اول نور و روشنایی، روز دوم آسمان‌ها، روز سوم زمین، گیاهان و دریا، روز چهارم خورشید، ماه و ستارگان، روز پنجم آبزیان و پرندگان، روز ششم انواع حیوانات وحشی و اهلی، خزندگان و در نهایت انسان را شبیه خود خلق کرده است (ر.ک؛ پیدایش، ۱: ۲۷-۱). و روز هفتم را روز استراحت، «سبت» و مبارک قرار داده است (ر.ک؛ پیدایش، ۲: ۳).

طبق گزارش قرآن و عهدین، خداوند جهان مادی به صورت تدریجی آفریده، سپس - به نقل قرآن - به تدبیر امور اعم از عالم غیب و عالم مادی پرداخت، ملائکه و سایه^{۲۳} از تجلی تدبیر الهی است. تدبیر انسان با توجه به استعداد و تکامل شایسته او در پیروی آزادانه از دستورات الهی قرار دارد. تکالیف فردی و اجتماعی انسان تدبیر او را چنین رقم زد. امانت‌داری تکلیف اجتماعی است «خداوند فرمان می‌دهد که امانات را به صاحبانش رد کنید و میان مردم به عدالت داوری کنید» (نساء/۵۸). حکومتداری یک مصداق از امانت الهی است که اصالتا و بالذات از خداست

۲۳. أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا * ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا (یس/۲۹).

«امانت» مطلق تعهد است، خواه تعهد با خدای سبحان باشد یا با افراد معین و اشخاص حقیقی یا با جامعه و شخصیت‌های حقوقی» (جوادی‌املی، ۱۳۸۹: ۲۱۱/۱۹).

لذا علی (ع) پذیرش حکومت‌داری را تکلیف مشروط به احقاق حقوق مردم می‌دانست و حقوق متقابل میان مردم و حاکم را قائل بود. «اگر حضور مردم نبود و حجت خداوند بر من در جلوگیری از پر خوری عده‌ای و رنج تغذیه عده‌ای نبود، حکومت را قبول نمی‌کردم» (فیض الاسلام، ۱۳۵۱: خ/۳)، یا «به خدا سوگند این کفش بی ارزش نزد من محبوبتر است از حکومت بر شما، مگر آنکه حقی را بر پا سازم یا باطلی را براندازم» (فیض الاسلام، ۱۳۵۱: خ/۳۳)، هم چنین رفتار عادلانه حاکم با مردم، «تو حق نداری درباره رعیت استبداد ورزی» (فیض الاسلام، ۱۳۵۱: ن/۵) و تأمین سعادت فرد^{۲۴} و جامعه^{۲۵} از طریق امر به معروف و نهی از منکر همگی نمونه اندیشه اوست. اما در عهدین و کتاب‌های منسوب به سلیمان، تکالیف اجتماعی و سلطنت‌داری کمتر و نیز با جامعیت به خصوص در حقوق حاکم بر مردم نیامده است. به تفاوت سخنان در برخی موضوعات مشترک اشاره می‌شود.

* بدون رهبری خردمندان، ملت در زحمت می‌افتد، اما وجود مشاوران زیاد امنیت کشور را تضمین می‌کند (امثال، ۱۱:۱۴).

«اجرای عدالت برای آدم درستکار شادی بخش است» (همان، ۲۱: ۱۵).

* «پادشاهان نمی‌توانند ظلم کنند. زیرا تخت سلطنت از عدالت بر قرار است. خشم پادشاه پیک مرگ است ولی مرد عاقل آن را فرو می‌نشاند (ر.ک؛ همان، ۱۶: ۱۲ و ۱۴).

^{۲۴}. «ای مردم مرا بر شما حقی و شما را بر من حقی است. اما حقوق شما عبارتند: نصیحت کردن، رساندن غنیمت و حقوق، تعلیم شما و تربیت شرعی شماست. اما حقوق من عبارتند: باقی ماندن در بیعتم، نصیحت نهان و آشکار، اجابت من و پیروی به آنچه شما را امر می‌کنم (فیض الاسلام، ۱۳۵۱: خ/۳۴).

^{۲۵}. امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید وگرنه اشرار جامعه بر شما مسلط می‌شوند. آن‌گاه هر چه دعا کنید به اجابت نمی‌رسد (همان: نامه ۴۷).

* خداوند از تقلب و کلاه برداری متنفر است ولی درستکاری و صداقت را دوست دارد (ر.ک؛ همان، ۱:۱۱).

۶-۲-۳. تسخیر هستی مادی

تسخیر در فارسی به معنای تسلط، تصرف و رام کردن است. در اصطلاح صرف مورد انتفاع واقع شدن چیزی نیست بلکه در تصرف در، رام کردن و در اختیار قرار دادن تا حد قدرت نیز هست (ر.ک؛ جوادی‌آملی، ۱۳۸۴: ۲۰۶).

تسخیر بالذات هستی، از خداوند متعال است. براساس آیات قرآن مجید انسان فاعل مسخر است «سخر لکم» (انبیاء/۳۳-۳۲) و رابطه‌اش با جهان آفرینش تسخیر عام است. تسخیر جهان طبیعت برای انسان به سه صورت است. با فعل مستقیم خودش یا از طریق فکر مانند باغبان که با دانش نظری و تکنولوژی می‌تواند با سیستم قطره‌ای آب را به پای درختان باغ یا مزرعه هدایت کند، یا از طریق علوم قراردادی به وجود می‌آید. اما نکته اساسی در تسخیر طبیعت، استفاده مطلوب از موجودات با توجه به ظرفیت وجودی مخصوص آنهاست و گرنه تصرف صحیح صورت نمی‌گیرد. زیرا ظرفیت موجودات متفاوت است. همان‌طور که تسخیر دریا و بیابان یا روز و شب از هم متفاوت است. لذا لازمه استفاده مطلوب، علم و دانش خاص به آنهاست. در قرآن مجید خداوند هم علم لدنی به حضرت سلیمان داده است «آتینا حکما و علما» (انبیاء/۷۹). و هم تسخیر خاص - نه استعمار مذموم - و نه تفویض مفوضه - مانند باد (ص/۳۶)، شیاطین (سبأ/۱۴)، جن و انس^{۲۶} (نمل/۱۷)، چشمه مس روان (سبأ/۱۲) و پرندگان (نمل/۱۷) را به سلیمان بیان داشته است. تا او با تنظیم هدایت درست آنها در از کارگزاران کارآمدی برخوردار باشد. از همین رو حضرت سلیمان هر کدام از کارگزاران خود را در جایگاه خاصی قرار داده بود به عنوان نمونه شیاطین را به کارها

^{۲۶}. آنچه به تسخیر الهی جن و انس و طیر باز می‌گردد در آیه نمل/۱۷ اشاره شده است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۳:

سخت مانند غواصی و اجنه را به کار ساختن مساجد و ظروف بزرگ غذا، پرندگان برای سایه بان، هدهد برای جمع آوری اطلاعات؛ گمارده بود. برخی مفسران نوشته اند: «راز این که در آیه سوره نمل جن را جلوتر از انس و طیر ذکر کرده است از این جهت است که مسخر شدن جن و به فرمان در آمدن او برای یک انسان عجیب تر از آن دو تای دیگرست» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۰۷/۱۵).

در کتاب پیدایش عهدین، موضوع تسخیر عام برای حضرت ادم بر برخی موجودات مادی بیان شده است «سر انجام خدا فرمود: انسان را شبیه خود بسازم تا بر حیوانات زمین و ماهیان دریا و پرندگان آسمان فرمانروایی کند» (پیدایش، ۱: ۲۸). اما در کتاب اول پادشاهان و دوم تواریخ برای سلیمان فقط سلطنت بر انسانها را بیان داشته است، برای او تسخیر خاص و ویژه ای بیان نکرده است. این موضوع علاوه بر کارآمدی بیشتر سلطنت داری، به توجه ویژه خداوند به سلطنت دینی او تاثیر دارد.

۶-۲-۴. غایت مندی نظام هستی

از موضوعات مشترک قرآنی، کلامی و فلسفی، غایت مندی آفرینش است. بر اساس استقرا، از اقسام چهارگانه علت؛ علت فاعلی و علت غائی است. در جهان هستی، منشأ وجود و واجب الوجود بالذات خداست و علت غایی در فاعلیت الهی، بالاصاله، ذات فاعلی و حب به ذات الهی است و بالعرض به خیر و کمال مخلوقاتش تعلق می گیرد (ر.ک؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۳: ۴۳۴/۲).

از طرف دیگر مخلوقات به تبع علم حضوری خود به علت فاعلی و کمالات او کشش دارند. قرآن مجید برای علت غایی آفرینش دو علت غایی بالعرض را ذکر کرده است. یکی علت غایی نهایی آفرینش، یعنی علم یقینی «پروردگارت را تا به یقین رسیدن، عبادت کن» (حجر/۹۹). مصداق اتم یقین معرفتی، همان شهود معاد و مبدأ است. و دیگری علت غایی متوسط از قبیل: پرستش خداوند (یس/۶۱ و ذاریات/۵۶)، آزمایش، انتخاب آزاد و نیکوی (هود/۷) و بهره مندی از رحمت الهی ﴿إِلَّا مَنْ رَجِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ﴾ (هود/۱۱۹، هود/۴۳ و دخان/۴۲) است. برخی

مفسران در مورد بهره‌مندی رحمت الهی نوشته‌اند «خداوند دو هدف دارد یکی ذاتی و اصلی یعنی رحمتش شامل حال همه انسان‌ها گردد و آنان را به بهشت ببرد. هدف دوم تبعی و عرضی است یعنی زیانکاران را به دوزخ ببرد» (جوادی‌آملی، ۱۳۸۱: ۵۸/۵).

بنابراین حرکت جهان هستی و غایت آن، از نظر معرفتی به یقین و از عملی رحمت الهی باز می‌گردد ﴿أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ﴾ (شورای/۵۳). «این جمله آیه شریفه بشر را به مالکیت خدا در آسمان‌ها و زمین است هشدار می‌دهد، چون لازمه مالکیت این است که امور خلق نیز راجع به وی باشد، و لازمه این، هم آن است که راهی که خلق پیش می‌گیرد و روشی که در زندگی طی می‌کند، راجع به او باشد، پس صراط مستقیم صراط خداست. علاوه بر این اشعار به علت وحی و تکلم الهی دارد، چون وقتی بنا شد مصیر اشیاء و بازگشت مخلوقات به سوی خدا باشد لاجرم برای هر نوع از انواع موجودات راه مخصوصی است به سوی خدا که باید آن راه را طی کنند (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱۵/۱۸).

در سیر کلی فوق‌الذکر، رخداد جزئی نیز به آن هماهنگ است. لذا اعطای حکومت دینی به برخی انبیا، گونه‌ای دیگر از فراهم کردن زمینه سیر و سلوک عبادی همراه معرفت انسان در شناخت صفات خداوند و به سعادت او باز می‌گردد (شوری/۵۳).

اما در عهدین؛ با توجه به انتصاب مخلوقات به خداوند، غایت‌مندی آفرینش امری انکار ناپذیر است، غایت آفرینش به دو صورت اجمالی بیان شده است.

الف. عظمت خداوند «آسمان از شکوه و عظمت خدا حکایت می‌کند و صنعت دست‌های او را نشان می‌دهد. روز و شب حکمت خدا را اعلام می‌نماید» (مزامیر، ۱: ۲-۱) یا «خداوند شکوه نام تو سراسر زمین را فرا گرفته است و عظمت تو از آسمان‌ها نیز فراتر رفته است» (مزامیر، ۸: ۱).
ب. خیر و کمال مخلوقات «بدین صورت که انسان شبیه خداوند خلق شده است» (پیدایش، ۵: ۱). این شباهت معنوی در گرو مقدس بودن وی و انجام اطاعت است «خداوند به موسی فرمود به بنی اسرائیل بگوید: مقدس باشید زیرا من خداوند، خدای شما مقدس هستم. به مادر و پدر خود احترام بگذارید و قانون روز سبت مرا اطاعت کنید، چون من خداوند شما هستم» (لاویان، ۱۹:

۳-۱). هم چنین «خداوند از شما می خواهد جز اینکه به سخنان او بدقت گوش کنید و برای خیر و آسایش خود فرامینی را که امروز به شما می دهد اطاعت کنید و با دل و جان او را پرستش کنید» (تثنیه، ۱۰: ۱۳-۱۲). مضاف بر این تلمود وظیفه هر یهودی این می داند که با احتراز از رفتار ناپسند قدوسیت خدا را از بی حرمت شدن حفظ نماید (ر.ک؛ کهن، ۱۳۸۲: ۴۸).

اما نکته اساسی با توجه به اختلافی بودن جهان آخرت در عهدین، مکان تحقق غایت آفرینش، در این جهان مادی یا جهان آینده است!

بحث و نتیجه گیری

حکومت سلیمان در قرآن مجید به صورت مختصر و مفصل در سوره صاد و نمل، هم چنین در کتاب اول پادشاهان و تواریخ به صورت مختصر بیان شده است. تفاوت بنیان های هستی شناختی حکومت سلیمان و نحوه ارائه آن با توجه به سطح اطلاعات، دو کتاب، از عوامل تفاوت گزارش عملکرد سلیمان در قرآن مجید و عهدین است. بنیان های هستی شناختی آن در عالم غیب و شهود و نتایج هر قسمت به ترتیب بیان گشته است.

الف اقسامی از توحید افعالی مانند حاکمیت، ربوبیت تکوینی، تشریحی و طاعت در دعوت به توحید و رفتار عادلانه که نیز مرتب با مسائل فردی، اجتماعی و حکومتی است در داستان قرآن از سلیمان به طور واضح خوب بیان گشته است. اما در عهدین به خصوص کتاب اول پادشاهان و تواریخ به ربوبیت تکوینی خدا در موضوع اعطا حکمت و اجرای عدالت اشاره شده است.

ب. وحی الهی یکی دیگر از مبانی هستی شناختی حکومت سلیمان است با این تفاوت که قرآن علاوه بر وحی به سلیمان او را پیامبر معرفی می کند. ولی در عهدین ضمن بیان وحی به سلیمان اما او را پیامبر نمی داند. به تعبیر دیگر وحی در عهدین اختصاص به انبیاء ندارد و به پادشاهان مانند داوود نیز صورت گرفته است.

ج. سلیمان نبی به لحاظ هستی‌شناختی معصوم و از نظر معرفتی حکیم و در رتبه حق‌الیقین قرار دارند، بنابراین رفتار و گفتار وی کاملاً منطبق بر شریعت بود به گونه‌ای که مورد مدح پروردگارش قرار گرفت «نعم العبد» و هم چنین خداوند از فرجام نیکوی وی خبر داد «حسن ماب». اما در گزارش عهدین سلیمان پادشاهی است که از نظر معرفتی غیر معصوم است و از نظر عملی در آخرت پرست از دنیا می‌رود. این موضوع نیز حاکی از تأمل معنایی حکمت اعطایی به وی در عهدین می‌باشد.

د. در قرآن کارگزاران کارآمد سلیمان، منحصر به موجودات مادی نیست. بلکه از عالم غیب و مجردات نیز در این امر مشارکت داشتند. آنها به اذن الهی مسخر سلیمان بودند. باد، پرنده‌گان، برخی انسان‌ها، شیاطین جن و اجنه کارگزار وی بودند. در عهدین کارگزاران سلیمان منحصر در برخی انسان‌هاست و سخنی از تسخیر بالعرض و قدرت فوق‌العاده الهی وی مطرح نیست.

ه. یکی از مصادیق مبانی هستی‌شناختی حکومت سلیمان در جهان غیب، معاد است. یکی از آثار معاد، زندگی ابدی در آنجاست. ولی موضوع معاد میان گروه‌های از یهودیان یعنی صادقان و شومرونی و فریسیان اختلافی است و در کتاب‌های عهدین قبل از سلیمان و حتی کتاب جامعه که به وی منسوب است به این موضوع پرداخته نشده است.

و. فقیر بودن هستی، مجموعه هستی فقیر است و ملاک فقر، به بیان صریح قرآن و سخنان انبیاء و اوصیای الهی، مخلوق بودن است. درک انسان کامل از این موضوع ولو این که عالم مادی بالعرض تحت تسخیر وی قرار گیرد نه تنها سبب خروج وی از بندگی خداوند نمی‌شود، بلکه به دلیل فقر ذاتی، تلاش وی در رفع فقر خود و نزدیک شدن به غنای مطلق است. همین موضوع می‌تواند در تحلیل علل تفاوت گزارش دو کتاب در مورد سرنوشت سلیمان مفید باشد.

ز. با توجه به موضوع معاد، عالم هستی از جمله انسان، نظامی غایت‌مند است و در نهایت مسیر خود را با معرفت یقینی به سوی مبدأ، در جهان آخرت طی خواهد کرد. این موضوع هر قدر صریح واضح و عمیق در سور مختلف بیان گردد، تاثیرگذاری تربیتی و کنترل اعمال بیشتر خواهد بود.

منابع

۱. قرآن مجید.
۲. عهدین.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۵ش). *علل الشرایع*. قم: کتاب فروشی داوری.
۴. _____ . (۱۳۶۲ش). *الخصال*. محقق / مصحح: غفاری. علی اکبر. چ ۱. قم: جامعه مدرسین.
۵. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). *قرآن در قرآن*. محقق ابوالفضل محرابی. چ ۱. قم: اسراء.
۶. _____ . (۱۳۷۹ش). *سیره پیامبر اسلام در قرآن ج ۷*. محقق علی اسلامی. چ ۲. قم: اسراء.
۷. _____ . (۱۳۸۲ش). *سیره رسول اکرم در قرآن*، ج ۹، محقق حسن واعظی محمدی، قم، چ ۳، اسراء.
۸. _____ . (۱۳۸۳ش). *تسنیم*. ج ۵. محقق احمد قدسی. چ ۲. قم: اسراء.
۹. _____ . (۱۳۸۴ش). *تفسیر انسان به انسان*، محقق محمد حسین الهی زاده. چ ۱. قم: اسراء.
۱۰. _____ . (۱۳۸۵ش). *الف. تسنیم*. ج ۸. محقق حسن واعظی محمدی. چ ۱. قم: اسراء.
۱۱. _____ . (۱۳۸۵ش). *ب. هدایت در قرآن*. محقق علی عباسیان. چ ۲. قم: اسراء.
۱۲. حائری یزدی، مهدی. (۱۹۹۵م). *حکمت و حکومت*. لندن: انتشارات شادی.

۱۳. خلف‌الله، محمد احمد. (۱۹۵۱م). *الفن القصصی فی القرآن الکریم*. قاهره: مکتبه النهضه المصریه.
۱۴. سلطان علی شاه، سلطان محمدبن حیدر (۱۴۰۸ق). *بیان السعاده فی مقامات العبادہ*. چ ۲. لبنان-بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۵. سبزواری، ملا هادی. (بی تا). *شرح الاسماء الحسنی*. قم: عقیق.
۱۶. طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. فیض الاسلام، سید علی نقی. (۱۳۵۱ش). *ترجمه نهج البلاغه*. تهران.
۱۸. قرائتی، محسن. (۱۳۸۸ش). *تفسیر نور*. چ ۱. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۹. کهن، ابراهام. (۱۳۸۲ش). *گنجینه‌ای از تلمود*. چ ۱. تهران: انتشارات اساطیر.
۲۰. مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۳ش). *نظریه حقوقی اسلام*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۱. _____ . (۱۳۷۳ش). *آموزش فلسفه*. چ ۶. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۲. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۰ش). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.

